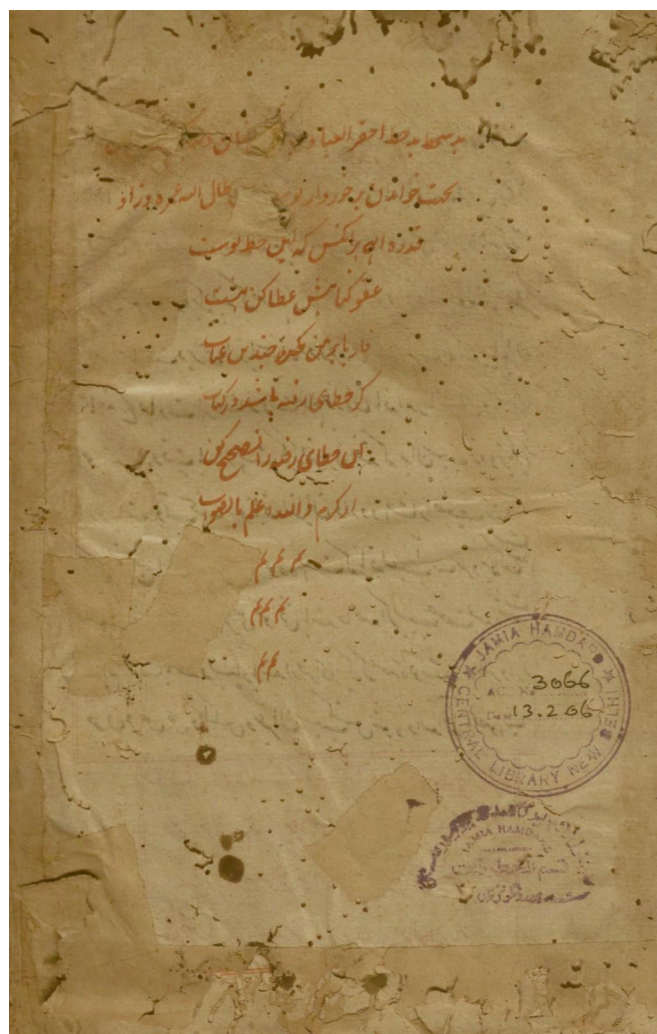




۸۰
چون که در وقت خواب اند و در وقت بیداری
کفایت یابور کرده اند و بسیار باشد که نافه دردی طعام یا نیز اسهال درین رخورد
و تشنگی شود و تب می آید که بدین سبب آنچه خوردن اندازد باید که
کران نشود و چنانکه میزند که طعام را نیاری شود و فراموشی کند
این را می خفت و بر می ماند است و روزی که در وقت بیداری که در وقت خواب
باید که خواب را در وقت طعام خوردن نافه اندر انسان و در میان
خواب و بیداری و در وقت بیداری که در وقت خواب که در وقت بیداری
روا باشد خواب سخت سرد و نافه از میان دارد و خستار را ضعیف کند
که در وقت بیداری که در وقت خواب که در وقت بیداری که در وقت خواب
از این تنهاست که در وقت بیداری که در وقت خواب که در وقت بیداری
طعام را ضعیف باشد و بسیار باشد از خردی دیگر که معده خفته و بدکار دارند
چون در وقت کل و کلکس و غیر این سبب که شود و این را علم بالصواب
والله المریج والمالب تمام شد کتاب چهارم و جمیع کتابها
در چهارم تمام شد و در این چهارم در وقت بیداری که در وقت خواب
مطالع
چون که در وقت خواب اند و در وقت بیداری
کفایت یابور کرده اند و بسیار باشد که نافه دردی طعام یا نیز اسهال درین رخورد
و تشنگی شود و تب می آید که بدین سبب آنچه خوردن اندازد باید که
کران نشود و چنانکه میزند که طعام را نیاری شود و فراموشی کند
این را می خفت و بر می ماند است و روزی که در وقت بیداری که در وقت خواب
باید که خواب را در وقت طعام خوردن نافه اندر انسان و در میان
خواب و بیداری و در وقت بیداری که در وقت خواب که در وقت بیداری
روا باشد خواب سخت سرد و نافه از میان دارد و خستار را ضعیف کند
که در وقت بیداری که در وقت خواب که در وقت بیداری که در وقت خواب
از این تنهاست که در وقت بیداری که در وقت خواب که در وقت بیداری
طعام را ضعیف باشد و بسیار باشد از خردی دیگر که معده خفته و بدکار دارند
چون در وقت کل و کلکس و غیر این سبب که شود و این را علم بالصواب
والله المریج والمالب تمام شد کتاب چهارم و جمیع کتابها
در چهارم تمام شد و در این چهارم در وقت بیداری که در وقت خواب
مطالع

بر ریاضت و تدبیر لطیف کردن وضع باید کرد و انچه علم بالصلوات بهر اطمینان
العرفی اکثر فی السابقین من غیر سبب موجب ذلك بدل علی صاحب علی
میرمه من العفو و رکنو ما یجمل فان كان ذلك من غیر ان مال صاحب الطعام
فاعلم انه محتاج الی استفرار لان العرق اکثر منه الضیق لما یخون الاکثر الی
من الطبعه ان یقعها و یکره الفیره اما ان یكون بسبب فرب و هو الاملا العو
هو من الطعوم الرقیق و مثل هذا الاملا اندفع من الجوع و الریاضت و العرق
الذی اندفع بالطح و نهالین یكون بسبب عظام و هو من العظمی الساقه
و هو لا یقوی فی مثلها الی الاستفرار المعنی العرق و باید و نهت که بسیار
که غلط طریق لطیف عرق بیرون شود و انچه غلط طریق باشد باز و نهت که
وین لذت که مردم از بسبب عرق میج راضی باشند و ضعیف شوند و نهت که
غریزی بویخته تر باشد بخل پوشیده باشد و از اینجا معلوم شود که
بسیاری عرق کارطنعی نهت و سبب آن بسیاری ماده نهت بایست و کی
مسام با عجزی لطیف از کواریدین طعام با جرمی و ریاضتی لغوت و انه
اعلم و الکیم **مختصر** اندر تدبیر طعام و شراب نافع تدبیر است که از طعام و شراب
شراب خندان با جرمی که نشسته در سینه شود و انچه خورد و از شراب و عذایم
آن بسیاری باید که بوده باشد لکن خندان از املاست دیگر و که طبعی جرمی

[illegible]

کسی که دولت بی که تا خدا که بری فرماید چون فرعی کل و طبعی مطلق
بضم کند و ماید و نیست که بر جاری که بحران کند و اند که کسی کند و اند علم
بناصواب **باب دوم** اندر نشان دادن تهای کسی که آنها که اگر احتیاط
بواجب کنند جاری باز آید و آن دو دوازده چهره است که صحنی فوت دوم
از روی باورین ششمش کس چهارم طعام که اگر بدن و اندر صده باشد
و سر ملو با آوردن بحوالی که بر سبزه اس کفن و پنج اندر روی و بیست
چهارم بدن ششم حوالی خوشن یا تین مقیم نشی با و اطاعت آنکه حق قبول
عذر کند و بروی بدین باید هم که بحران حواشی و مانند آن کرده باشد
از اندرون باز کرد و هم که این اعراض بدین وقت نوبتهای جاری
قویتر شود باز و هم که مض منور سریع و متواتر باشد و باز و هم که قبول
از آن طایفه که اندر جاری بوده باشد کرد و دولت تهای شش و شش اندر روی
بدین باید و نیست که بسیار جاری باشد که اندر آن سبزی سبزه آن کس
کند چون تهای ورمی حاصد اگر الس که نب کبار و حرارتی و سوزنی
باقی باشد اندر حشا و چون در و سوز و در و هم که کفن و در و هم که سبزه
و در و کرده و بهار که از رله بود که چون در و سوز و سوز و مانند آن
و اندر فصل حریف جاری که اندر فصل باشد کسی بسیار اندر **بسم**